

عنوان مقاله:

تصوف در دوره استبداد منور رضاخانی (پژوهشی درباره زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افول تصوف در دوره پهلوی اول)

محل انتشار:

دوفصلنامه تاریخ ادبیات، دوره 16، شماره 1 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

عبسی امن خانی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

سعید مهری - دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

خلاصه مقاله:

علی‌رغم مخالفت‌های شدید، تصوف تا پایان دوره قاجار به حیات خویش ادامه داد. هنوز در ایران خانقاه‌های بسیاری وجود داشت و صوفیان پشیمینه پوش در شهرها مشاهده می‌شدند. اما با روی کار آمدن رضاشاه افول تصوف سرعت گرفت تا آنجا که در اواخر حکومت وی کمتر نشانی از صوفیان در جامعه ایرانی دیده می‌شد؛ خانقاه‌ها متروک شده بودند و دیگر رونق گذشته را نداشتند و صوفیان نیز دل‌ها را رها کرده، جامه مرسوم آن روزگار را بر تن کرده بودند. مقاله حاضر به بررسی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فکری افول تصوف در دوره پهلوی اول پرداخته و نقش آن‌ها را در افول تصوف بازگو کرده است. انتقادات تند روشن فکran این دوره از تصوف و آموزه‌های آن یکی از دلایل اصلی افول تصوف در دوره پهلوی اول بوده است، به عنوان مثال تقی ارانی که اولین چهره مهم مارکسیسم ایرانی است عرفان / تصوف را افیون توده‌ها می‌دانست. به باور او کارکرد عرفان / تصوف چیزی جز به انقیاد درآوردن طبقات فقیر جامعه (برده‌ها و ...) نبوده است. با وجود اثرگذاری این نقدها بر بسیاری از نخبگان جامعه، اصلی‌ترین دلیل افول تصوف را باید در قوانین وضع شده از سوی حکومت پهلوی در موضوعاتی چون موقوفات جست وجو کرد. بنابر این قوانین، موقوفات که از مهم‌ترین منابع درآمد خانقاه‌ها بودند مصادره و نظارت آن‌ها به دولت واگذار می‌گردید؛ امری که با سخت‌تر کردن معیشت صوفیان عملاً خانقاه نشینی و عزلت‌گزینی را ناممکن و زمینه را برای برچیده شدن بساط تصوف مهیا می‌ساخت.

کلمات کلیدی:

تصوف، عرفان، پهلوی اول، روشن فکran، ارانی، موقوفات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1794864>

